خبرها

پدر بچه‌ها را از طبقه پانزدهم پرتاب کرد

شرق: پدری دو فرزندش را از طبقه پانزدهم ساختمانی در میامی به پایین انداخت. این مرد که با خانواده‌اش در هتلی در میامی ساکن بود، دو پسر چهار و هشت ساله‌اش را دقایقی پس از خروج همسرش از اتاق به پایین انداخت. وی پیش از اینکه خود را به پایین پرت کند، توسط ماموران پلیس دستگیر شد. همسر این مرد در حالی که می گریست به پلیس گفت: شوهرم بسیار خودخواه و بداخلاق بود و به همین دلیل اتاق را ترک کردم، اما لحظه‌ای بعد با جسد فرزندانمان در حیاط هتل مواجه شدم. پلیس میامی با اعلام اینکه این مرد هیچ دلیلی برای رفتار نامناسب‌اش مطرح نکرده است، می گوید: این مرد بسیار خودخواه و لجباز است و با این کار دو موجود ارزشمند همسرش را برای همیشه از «وان دیک کنو» زن ۴۰ ساله جدا ساخت.

اسیدپاشی برای انتقام‌جویی

شرق: پسر دانشجویی که جواب منفی از طرف دختر مورد علاقه‌اش شنیده بود در یک اقدام جنون‌آمیز به صورت چهار دانشجوی دختر اسید پاشید. عصر روز جمعه ۵ خردادماه، این پسر دانشجو پس از ورود به محوطه دانشگاه پیام نور شهرستان ملکان آذربایجان شرقی به صورت چهار دختر دانشجو اسیدپاشیده و سپس متواری شد. بعد از اعلام وقوع این حادثه، ماموران نیروی انتظامی بلافاصله در دانشگاه حاضر شدند و چهار دختر مجروح شده به بیمارستان انتقال یافتند. پسر دانشجو نیز در دام پلیس گرفتار شد. حامد ۳۰ساله درخصوص انگیزه‌اش به پلیس گفت: من دانشجوی میهمان از واحد میانه بودم که طی ترم گذشته با یکی از دختران دانشگاه ملکان آشنا شدم. بعد از مدتی از او خواستگاری کردم اما او به من جواب منفی داد. با شنیدن پاسخ منفی برای انتقام‌جویی تصمیم گرفتم به سر و صورت این دختر و دوستانش اسید بپاشم. متهم با صدور قرار قانونی روانه زندان شد.

حبس برای باند سارقان و کیف‌قاپان

شرق: اعضای جوان باند سرقت به عنف که با سوار کردن مسافران در اماکن خلوت از آنها با تهدید به چاقو سرقت می کردند به حبس محکوم شدند.

■ سرقت با تهدید چاقو و قمه

اواخر سال ۸۳ شخصی به پلیس کرج مراجعه کرده و گفت: کنار خیابان منتظر ماشین ایستاده بودم که خودروی پیکانی توقف کرد. سوار شدم و در حالی که به سمت کرج حرکت می کردیم، دو نفر از سرنشینان خودرو مرا زیر صندلی هل داده و با چاقو و قمه تهدیدم کردند. بعد با گرفتن پول‌های نقد در مکانی خلوت مرا از ماشین بیرون انداخته و فرار کردند. مدتی بعد شخص دیگری به کلانتری تهرانپارس مراجعه کرده و از سرقت اموالش و ضرب و شتم به وسیله سارقان شکایت کرد. سارقان پس از سوار شدن او به خودرو، با رسیدن به مکانی خلوت، مرد جوان را با چاقو و قمه تهدید کرده و پول نقد و چند تراول چک را از او به سرقت بردند. با اعلام این شکایات و شکایت‌های مشابه پلیس دستگیری سارقان به عنف را در دستور کار خود قرار داد. تا اوایل دی ماه پارسال هنگامی که اعضای این باند سرقت، حوالی قیامدشت فردی را مورد ضرب و شتم قرار داده و از او سرقت کردند ماموران به خودروی آنها مشکوک شده و در تعقیب و گریزی که انجام دادند، فردی به نام محمد ۲۳ ساله را دستگیر کردند. او در بازجویی‌ها به سرقت اموال ۱۵ نفر اعتراف کرده و سه همدست خود را نیز معرفی کرد. پلیس همدستان محمد به نام‌های مهدی ۲۴ساله، امید ۲۳ساله و علی ۲۰ساله را دستگیر کردند. سایر متهمان هم به مشارکت در سرقت از طریق زورگیری اعتراف کردند. پلیس و بازپرس در حال تکمیل پرونده و شناسایی شکات بودند که محمد متهم ردیف اول از بازداشتگاه فرار کرد. پلیس برای دستگیری مجدد محمد به جست‌وجوی او پرداخته و سپس برای دومین بار او را بازداشت کردند. چهار جوان متهم به سرقت به عنف، در نقاط مختلف شهر تهران در شعبه ۱۱۴۷ دادگاه عمومی جزایی محاکمه شده و قاضی صفوی سرکرده باند را به بازگرداندن اموال، به سه سال حبس تعزیری و ۵۰ ضربه شلاق محکوم کرد. متهمان ردیف دوم و سوم نیز به ۳۰ماه حبس و ۵۰ ضربه شلاق محکوم شدند. در حالی که متهم ردیف چهارم با گذشت تعدادی از شاکیان به ۲۰ ماه حبس محکوم شد.

■ کیف‌قاپان ۲۷۰ میلیون ریالی

بیست و پنج فروردین پارسال پلیس مطلع شد فردی به بانک مراجعه کرده و قصد نقد کردن چک ۵۲ میلیون ریالی را داشته که پیش از آن صاحب چک از سرقت آن خبر داده بود. ماموران در بانک مذکور حاضر شده و جوانی به نام شهاب‌الدین ۲۴ساله را بازداشت کردند. او در جریان بازجویی‌ها به سرقت و کیف‌قاپی از افراد متعدد اعتراف کرده و دو نفر از همدستان خود به نام‌های کامران و فرزاد را معرفی کرد. متهمان کیف‌قاپ به مشارکت در ۴۵ فقره کیف‌قاپی اعتراف کردند که بالغ بر ۲۷۰ میلیون ریال و مبالغی ارز و طلا را شامل می‌شد. با شناسایی شاکیان و مال‌باختگان اعضای این باند کیف‌قاپی در شعبه ۱۱۴۷ محاکمه شده و قاضی آنها را به یک سال حبس تعزیری و ۴۰ ضربه شلاق محکوم کرد.

۱۵ سال حبس برای شرکت در سه قتل

شرق: قضات شعبه ۷۱ دادگاه کیفری مردی را که متهم است در قتل سه نفر با برادرش همدست بوده به ۱۵ سال حبس محکوم کردند. این متهم با برادرش به خانه زن و شوهری در شهریار رفتند و بعد از کشتن زن و مرد دوستشان را نیز با شلیک گلوله به قتل رساندند. قضات شعبه ۷۱ دادگاه کیفری متهم ردیف اول را به سه بار قصاص (اعدام) و متهم ردیف دوم را به اتهام معاونت در قتل‌ها به ۱۵ سال حبس محکوم کردند.

دایی به اتهام قتل خواهرزاده محاکمه می‌شود

حوادث

گروه اجتماعی: پرونده مرد جوانی که به خاطر سوءظن، خواهرزاده‌اش را با ضربات چاقو به قتل رسانده بود، برای رسیدگی به شعبه ۷۱ دادگاه کیفری فرستاده شد. ماجرای این پرونده جنایت زمانی فاش شد که در تاریخ ۲۵ مهرماه ۸۴ در خیابان جشنواره مرد ۴۷ ساله‌ای هراسان به خیابان آمد و فریاد کمک‌خواهی سر داد و گفت: «من خواهرزاده‌ام را با ضربات چاقو به قتل رسانده‌ام...» همسایه‌ها موضوع را به پلیس اطلاع دادند و دقایقی بعد اکیپی از ماموران تجسس در قتلگاه حاضر شدند. در بررسی‌ها روشن شد که مقتول جوان ۳۷ساله‌ای به نام محمد بوده است که به دست دایی‌اش و در منزل او به قتل رسیده است. به دستور بازپرس ویژه قتل جسد مقتول به پزشکی قانونی منتقل شد و ماموران قاتل را دستگیر کردند. متهم به قتل در بازجویی به افسر بازجو در خصوص انگیزه قتل خواهرزاده‌اش گفت: من پسر بزرگی دارم و خواهرزاده‌ام محمد (مقتول) به خاطر پسرم در خانه ما رفت و آمد زیادی داشت. بعد از مدتی من و پسرم متوجه شدیم که محمد (خواهرزاده‌ام) پنهانی با همسرم ارتباط دارد. محمد همیشه می گفت من زن‌دایی‌ام را (همسر من) بیشتر از هر کسی در زندگی‌ام دوست دارم. کم‌کم ارتباط همسرم با خواهرزاده‌ام بیشتر شد که حتی متوجه شدم که محمد وقتی همسرم در خانه تنها است، پیش او می‌رود. یک بار هم وقتی من در خانه بودم زنم یک ساعت تلفنی با محمد صحبت کرد. یک شب عصبانی شدم و موضوع را به زنم گفتم. همسرم گفت که محمد را دوست دارد و حتی حاضر شده که به خاطر او از من طلاق بگیرد. شوکه شده بودم. همسرم عاشق خواهرزاده‌ام شده بود و حتی حاضر بود به خاطر او زندگی‌اش را ویران کند. آن شب با هم درگیر شدیم. همسرم با خوردن چند قرص اقدام به خودکشی کرد، اما من متوجه شدم و او را فوراً به بیمارستان رساندم بدین ترتیب پزشکان از مرگ نجاتش دادند. بعد از آن به همراه پسرم سوار ماشین شدیم و به منزل خواهرزاده‌ام در کرج رفتیم. او را سوار ماشینم کردم و به او گفتم به خانه‌ام بیا، می‌خواهم با تو صحبت کنم. در میانه راه پسرم را از ماشین پیاده کردم و محمد را به خانه‌ام بردم. به او گفتم: همه فامیل می‌دانند که تو با همسرم رابطه داری، آبروی من رفته و زندگی‌ام از هم پاشیده است. همسرم دیشب به خاطر تو خودکشی کرد و به من گفت که دوستت دارد. تو باید ارتباطت را با همسرم قطع کنی. به او بگو که قصد داری با دختری ازدواج کنی و...» متهم ادامه داد: وقتی این حرف‌ها را به خواهرزاده‌ام زدم و از او التماس کردم که پایش را از زندگی من و همسرم بیرون بکشد، عصبانی شد و گفت که زنم را دوست دارد و می‌خواهد با او ازدواج کند. وقتی این حرف را زد از حال طبیعی خودم خارج شدم و با ضربات چاقو او را کشتم. سپس دیوانه‌وار به خیابان رفتم و از همسایه‌ها کمک خواستم و... به گزارش خبرنگار ما ماموران در ادامه از فرزندان متهم تحقیق کردند و آنها مدعی شدند که مادرشان با مقتول ارتباط داشته است و همچنین مادر مقتول که خواهر متهم است مدعی شده که پسرش با زن‌دایی‌اش رابطه داشته است و حتی چندین بار دیده که همسر متهم (زن برادرش) با پسرش (مقتول) تماس گرفته و با هم قرار ملاقات گذاشته‌اند. بعد از تکمیل تحقیقات بازپرس کیفرخواست پرونده را صادر کرد و پرونده به دادگاه کیفری فرستاده شد. این دایی متهم به قتل به زودی در حضور پنج قاضی دادگاه کیفری به پای میز محاکمه می‌رود.

راز جنایت پس از دو سال فاش شد

گروه اجتماعی: یک زندانی که به خاطر سرقت دو سال و نیم در زندان بود، به خاطر عذاب وجدان به قتل دوست صمیمی‌اش اعتراف کرد. این زندانی که سعید نام دارد راز جنایت را بعد از دو سال فاش کرد و گفت: من دو سال و نیم پیش دوست صمیمی‌ام را به قتل رساندم و عذاب وجدان رهایم نمی‌کرد. تصمیم گرفتم حقیقت را برای پلیس فاش کنم تا از این عذاب خلاص شوم. سعید گفت: سه سال پیش به همراه دوست صمیمی‌ام و زن و دو بچه‌اش از مشهد به تهران آمدیم و در مهرشهر کرج خانه‌ای را اجاره کردیم. من هم کنار دوستم محمد و همسرش بودم. یک شب دوستم محمد به من گفت که مقداری اشیای عتیقه یکی از فامیل‌هایش را سرقت کرده و می‌خواهد آنها را به قیمت بسیار بالایی بفروشد. شب حادثه وسوسه شدم. با خود گفتم محمد را می‌کشم و عتیقه‌های او را می‌دزدم. شبانه بالای سر محمد رفتم. همه خوابیده بودند. اول با میله بر سرش کوبیدم و بعد با طناب او را خفه کردم. در آخر هم برای این که مطمئن شوم که مرده است با چاقو ۴ ضربه به او زدم. وقتی چاقوی خونی در دستم بود، همسر دوستم از خواب بیدار شد. او را تهدید کردم و گفتم اگر مرا لو بدهی تو و بچه‌هایت را هم می‌کشم. پس فردای آن روز همسر دوستم را روانه مشهد کردم و به آنها گفتم که به خانواده‌اش بگوید که محمد (مقتول) به ژاپن رفته است. بعد از رفتن همسر محمد، جسد دوستم را در باغچه خانه دفن کردم. یک هفته بعد همسر محمد دوباره به سراغ من آمد و گفت: جایی برای زندگی ندارد. من هم تصمیم گرفتم با او ازدواج کنم. به خاطر همین یک نامه با دست‌خط محمد جعل کردم که اگر خودش نباشد، همسرش می‌تواند به طور غیابی از او طلاق بگیرد. بعد از این که همسر محمد به طور غیابی طلاق گرفت من او را به عقد خود درآوردم. مدتی گذشت همسرم به من گفت که از بودن جسد شوهر سابقش در باغچه خانه می‌ترسد. به خاطر همین نبش قبر کردم و اسکلت دوستم محمد را برداشتم. سپس به جاده کرج رفتم و اسکلت‌ها را در بیابان انداختم. از طرفی اشیای عتیقه محمد را به قیمت ۸۰ هزار تومان فروختم. خریدار عتیقه به من گفت که این اشیا قلابی هستند. چون کار مناسبی نداشتم و برای تامین زندگی نیاز به پول داشتم، مجبور شدم دست به سرقت بزنم که ماموران دستگیرم کردند و به زندان افتادم. دو سال و نیم در زندان بودم که عذاب وجدان به سراغم آمد. به خاطر همین به قتل اعتراف کردم. پرونده این جنایت روز گذشته برای رسیدگی و صدور رای به شعبه ۷۴ دادگاه کیفری فرستاده شد. این متهم به زودی محاکمه می‌شود.

آدم‌رباها پسر سه‌ساله را رها کردند

گروه اجتماعی: آدم‌ربایانی که پس از ربودن یک کودک ۳ساله برای آزادی او ۶ میلیون تومان وجه نقد طلب کرده بودند با رها کردن کودک در خیابان جی اصفهان متواری شدند. جمعه‌شب مردی به کلانتری ۱۶ اصفهان مراجعه کرد و گفت: «ساعتی پیش به همراه اعضای خانواده‌ام برای تفریح به پارک آبشار رفتیم. در آنجا خانواده برادرزنم را دیدیم. در حالی که ما در گوشه‌ای نشسته بودیم پسر ۳ساله‌ام به نام عرفان به همراه دو فرزند برادرزنم به طرف وسایل بازی پارک رفتند. بعد از ۲۰ دقیقه آمدند اما عرفان با آنها نبود.» رضا پدر عرفان در ادامه گفت: «بچه‌ها گفتند که عرفان در زمین بازی گم شده است.» بعد از اظهارات پدر عرفان ماموران پلیس پرونده‌ای در این زمینه تشکیل دادند و تحقیقات در دایره مبارزه با آدم‌ربایی اداره آگاهی اصفهان آغاز شد. صبح روز بعد فردی با کلانتری تماس گرفت و گفت: «عرفان پیش من است، شماره تلفن پدر او را به من بدهید تا عرفان را تحویل دهم و از خانواده‌اش مژدگانی بگیرم.» در حالی که تحقیقات در این باره ادامه داشت به کارآگاهان خبر رسید فردی با منزل پدربزرگ عرفان تماس گرفته و گفته است که عرفان خوابیده و حالش خوب است. در ادامه تحقیقات مشخص شد آدم‌ربا از تلفن عمومی با منزل عرفان تماس می‌گیرد و از این رو تمام تلفن‌های عمومی منطقه تحت کنترل درآمد. شامگاه شنبه نیز فرد مذکور دوباره با خانواده عرفان تماس گرفت و گفت: من نزد شخصی کار می‌کنم که به عرفان علاقه دارد و اگر بخواهم او را از چنگالش خارج کنم از زندگی ساقط می‌شوم. این فرد ناشناس باز هم در ساعت یک بامداد شنبه با خانواده عرفان تماس گرفت و برای آزادی او طلب ۶ میلیون تومان وجه نقد کرد. به این ترتیب به دستور بازپرس شعبه ششم دادسرای عمومی و انقلاب اصفهان اقدامات همه‌جانبه برای شناسایی و دستگیری آدم‌ربایان در دستور کار پلیس قرار گرفت تا اینکه ظهر روز شنبه فرد ناشناس باز هم با منزل پدربزرگ عرفان تماس گرفت و از دایی عرفان خواست تا مبلغ مذکور را در ابتدای خیابان ۲۲ بهمن تحویل بدهد. به این ترتیب محل تحت کنترل پلیس قرار گفت و پلیس پس از آموزش دادن، دایی عرفان پول‌ها را داخل کیف گذاشت و به محل مورد نظر رفت. اما در این لحظه فرد مذکور با تلفن همراه دایی عرفان تماس گرفت و به او گفت پول‌ها را به خیابان آبشار برده و زیر یک تیر چراغ برق در نزدیکی پل‌های غدیر پنهان کند. بعد از این تماس بلافاصله اکیپ‌های ویژه پلیس محل مورد نظر را زیر نظر گرفتند اما این بار هم کسی برای برداشتن پول‌ها به محل مراجعه نکرد. تا اینکه ساعت ۳۰ دقیقه بامداد دیروز شهروندی با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و از پیدا شدن کودکی ۳ساله مقابل پمپ بنزین خیابان جی اصفهان خبر داد. بلافاصله ماموران پلیس در محل حاضر و متوجه شدند کودک همان عرفان است. به این ترتیب عرفان تحویل خانواده‌اش شد. در تحقیقات به عمل آمده از اهالی مشخص شد مردی ۳۰ساله همراه یک زن جوان با یک خودروی پراید عرفان را در محل رها کرده و متواری شدند. هم‌اکنون کارآگاهان پلیس آگاهی اصفهان در حال انجام تحقیقات برای شناسایی آدم‌ربایان هستند.

زن و شوهر معتادی در شهریار قاچاق اسلحه می‌کردند

گروه اجتماعی: زن و شوهری که هنگام تهیه و توزیع مواد مخدر اقدام به قاچاق اسلحه می‌کردند، توسط ماموران مبارزه با مواد مخدر شهریار دستگیر شدند. راز دستگیری این زن و شهر زمانی فاش شد که پلیس استان تهران خبر داد که شخصی به نام عزت در امر تهیه و توزیع مواد مخدر فعالیت دارد. به دستور سرهنگ کریمی فرمانده انتظامی شهریار ماموران مبارزه با مواد مخدر شهریار بلافاصله تحقیقات گسترده‌ای را در این باره آغاز کردند. بدین ترتیب ماموران پلیس این مرد معتاد را دستگیر کردند که وی در تحقیقات اعتراف کرد با همدستی همسرش به جز خرید و فروش مواد مخدر در زمینه قاچاق اسلحه نیز فعالیت می‌کند. سرانجام عصر روز ۲ خردادماه همسر این مرد معتاد به نام سکینه شناسایی و دستگیر شد. در بازرسی از منزل متهمان، مقدار زیادی مواد مخدر و ۱۵ قبضه اسلحه کمری معروف به شاه‌کش به همراه تعداد ۱۵۰ عدد فشنگ کشف شد. این زن و شوهر اعتراف کردند که سلاح‌ها را از کنگاور به وسیله موتورسیکلت به شهریار انتقال می‌داده‌اند. متهمان با صدور قرار قانونی روانه زندان شدند.

آخرین آمار زلزله اندونزی

چهار هزار کشته و ۲۰۰ هزار بی‌خانمان اندونزیایی

گزارش کوتاه

بیش از ۲۰۰ هزار نفر در پی زلزله بزرگ روز شنبه در «جاوا»ی اندونزی بی‌خانمان و براساس گزارش‌های دریافتی حدود چهار هزار و ۲۸۵ نفر کشته و بیش از ۱۰ هزار نفر نیز زخمی شده‌اند. ماموران صلیب سرخ اندونزی که از ساعات اولیه این زلزله ۶/۳ ریشتری در منطقه فعالند، وضعیت را به شدت نامناسب توصیف کرده‌اند. دفاتر مختلف سازمان ملل و کشورهای مختلف ضمن ابراز همدردی با بازماندگان در حال ارسال کمک‌های مختلف هستند. صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) با اعلام خرسندی از تلاش ماموران برای جمع‌آوری کودکان بی‌سرپرست اعلام کرد بیش از ۱۱ هزار بسته چادر، پتو و دارو به منطقه ارسال کرده است. انگلیس نیز یک میلیون پوند به این زلزله‌زدگان کمک کرده است. در حالی که امدادگران در حال آواربرداری برای نجات آسیب‌دیدگان هستند، مسئولان بیمارستان‌ها از کمبود امکانات دارویی و پزشک نگرانند و درخواست کمک اضطراری کرده‌اند. در حال حاضر نیز راه‌های ارتباطی از جمله فرودگاه منطقه «یوگایاکارتا» همچنان بسته است و تلاش‌ها برای بازگشایی راه‌های ارتباطی ادامه دارد. از آنجا که یکی از معابد تاریخی این منطقه نیز در اثر زلزله به شدت آسیب دیده، مسئولان یونسکو به همراه تیم‌های کارشناسی به منطقه اعزام شده‌اند. در همین حال از ابتدای روز گذشته نجات‌یافتگان این زلزله به خانه‌های تخریب شده خود بازگشته‌اند تا وسایل خود را جمع‌آوری کنند.

قله کوه جم به‌دلیل راه‌سازی در حال فروریختن است

خبر روز

شرق: عده‌ای از فرهنگیان، دانش‌آموختگان و دانشجویان شهرستان جم با انتشار نامه‌ای نسبت به ساخت جاده‌ای که به گفته آنها قله ارزشمند کوه جم را در آستانه فروریختن قرار داده است، اعتراض کردند. در این نامه که بیش از ۱۷۰ نفر آن‌را امضا کرده‌اند، آمده است: بی‌گمان بزرگی و عظمت هر ملت و مذهبی را باید در سابقه تمدنی و مظاهر و پیشینه تاریخی آن ملت و مذهب جست‌وجو کرد و با مطالعه و بررسی آثار به‌جا مانده از آن ملت به کیفیت و میزان پیشرفت، ترقی و اصالت تاریخی آن پی برد.

سابقه تمدنی و پیشینه تاریخی جم به پیش از اسلام برمی‌گردد و در منابع معتبر جغرافیایی تاریخی از آبادانی، پیشرفت و شرایط مساعد آب و هوایی و نیز از کثرت جمعیت و وجود زندگی بشر در آن، مطالب ارزشمندی ذکر شده و تحقیقات و پژوهش‌هایی که اخیراً نیز در این منطقه به‌وسیله محققان و باستان‌شناسان صورت گرفته است –مانند تحقیقات دکتر دشتی – بر استحکام آن نظریه‌ها می‌افزاید و اهتمام و توجه بیشتر مسئولان فرهنگی استان را طلب می‌کند.

در سراسر منطقه جم آثار و نشانه‌هایی از وجود زندگی انسان‌هایی از روزگار زرتشت و حتی پیش از آن نیز به‌چشم می‌خورند و اگرچه به واسطه دوری از مرکز با کم‌عنایتی مسئولان فرهنگی در پرده‌ای از گمنامی و ابهام قرار گرفته‌اند؛ ولی شایسته است تا این یادگاری‌های تاریخی را از گزند حوادث و ویران شدن با شرایط طبیعی در راستای منابع اقتصادی و... حفظ کنیم و به‌عنوان نشانه، سمبل و نماد هویت ملی فرهنگی و تاریخی خویش به آن ببالیم.

یکی از آثار عظیم و ارزشمند منطقه جم، قله کوه پردیس است که علاوه بر این‌که آثار ارزشمند و گران‌بهای تاریخی را در دل خویش پنهان نگه داشته است، با ظاهر زیبا و منحصر به‌فردی که دارد، بر تارک شهرستان جم می‌درخشد و رهگذران و مسافرانی که قصد ورود به این شهرستان را دارند، به حیرت و شگفتی فرومی‌برد.

ما فرهنگیان و دانش‌آموختگان منطقه جم با شناخت کامل ارزش و تاریخ این قله زیبا و نقش مهم آن در پیشبرد فرهنگی، هنری و تاریخی شهرستان خود و نیز با توجه به اهمیت زیباسازی محیط طبیعی منطقه، نسبت به تخریب و ویرانی این قله معترضیم و وظیفه انسانی و اخلاقی خود می‌دانیم که فریاد اعتراض خویش را با نوشتن این نامه به گوش مسئولان فرهنگی برسانیم.

۲۲۰۵۳۳۷۲ — مردمک

مشکلات دانشجویان فوریت‌های پزشکی

عده‌ای از دانشجویان فوریت‌های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز هستیم. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور بنا به نیاز خود در مراکز اورژانس از سال ۸۰-۷۹ اقدام به پذیرش دانشجو در مقطع کاردانی رشته فوریت‌های پزشکی نمود به طوری که پذیرش دانشجو در این رشته به صورت نیمه‌متمرکز همراه با گرفتن تست‌های آموزشی ـ اخلاقی و آمادگی جسمانی بوده است. با پایان سال ۸۴ شهرهای شیراز و تبریز به دلایل نامعلومی از پذیرش دانشجو در این رشته خودداری کردند و پذیرش آن به شکل محدود به شهرهای دیگر واگذار شد. اکنون با گذشت سه ترم از کل دوره دوساله تحصیلی و نزدیک شدن به دوره فارغ‌التحصیلی، ما دانشجویان فوریت‌های پزشکی با مشکلات بسیاری گریبانگیر هستیم. سه مشکل مهمی که ما دانشجویان با آن روبه‌رو هستیم به صورت زیر است:

۱- امکان انجام خدمت نظام وظیفه دانشجویان این رشته به شکل «پیام‌آور بهداشت در اورژانس یا مراکز درمانی» وجود ندارد.

۲- امکان ادامه تحصیل برای دانشجویان مقطع کاردانی به مقاطع بالاتر این رشته اصلاً وجود ندارد. در حالی که تخصیص مخارج و هزینه‌های زیاد آموزشی جهت آموزش نیروی متخصص این رشته با تامین مقاطع بالاتر تحصیل بیشتر قابل جبران خواهد بود.

۳- پرداخت حقوق دانشجویان این رشته که می‌بایست طبق قانون رشته‌های نیمه‌متمرکز به ورودی‌های این رشته نیز داده شود اما تاکنون ما هیچ مبلغی را حتی به عنوان بن کتاب دریافت نکرده‌ایم.

از مسئولان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور تقاضا می‌کنیم به مشکلات ما دانشجویان فوریت‌های پزشکی رسیدگی کنند.

تبعیض در حقوق بازنشستگان

قرار بود که حقوق بازنشستگان آموزش و پرورش را بالا ببرند اما حالا آمده‌اند حقوق‌های افراد بازنشسته‌ای که شش کلاس درس خوانده‌اند را با کسی که لیسانس دارد یکسان و هر دو را ۲۰۰هزار تومان کرده‌اند. آیا این تبعیض در حق ما بازنشستگانی که لیسانس داریم نیست؟

زمین بازی پارک لاله استاندارد نیست

زمین بازی پارک لاله فاقد استاندارد لازم برای بازی کودکان است. سطح آن از سیمان بوده و کودکان به هنگام تاب‌سواری و سرسره‌بازی دچار آسیب‌دیدگی می‌شوند. از مسئولان شهرداری خواهش می‌کنم کف این زمین بازی را درست کنند و آن را از این شکل خطرناک دربیاورند.